

## جلسه ۱ تا ۴ - روایات و چهل اصل برای مسیر حوزه ۱

Friday, November 10, 2017

4:32 PM

### جلسه اول

...

یک شیوه ی تربیتی آیت الله بهجت بیان داستان علمای بزرگ بوده. یک منبع برای مسیر حوزوی کتاب منیه المریده. یکی هم وصیت نامه ی امام خمینی ره. منشور روحانیت. برای سیره ی علما کتاب سیمای فرزندگان است برای آقای رضا مختاری چاپ بوستان کتاب، که کتاب معروفی است. در محضر علامه طباطبائی، و در محضر آیت الله بهجت. از آقای رخشاد. کتاب های دیگری هم هست.

...

در این جلسه یک بحث در باب مسیر حوزوی مطرح می کنیم. کتاب علم و حکمت از آقای ری شهری. مجموعه روایاتی که در باب مسیر حوزوی است را شامل می شود.

### چهل اصل در مسیر حوزوی

#### اصل اول: اصل عبادت علمی

بزرگان ما تاکید داشتند که خود درس خواندن عبادت است. باید یک طلبه به علم به عنوان عبادت نگاه کنه.

ص ۴۰ کتاب علم و حکمت؛ از حضرت رسول صلی الله : علم را بیاموزید که آموختنش حسنه است، مباحثه ی آن تسبیح است، بحث و تحقیق آن جهاد است و تدریس آن علم صدقه است و تبلیغ آن قرب الهی است.

#### اصل دوم: اصل خواستن همت و علاقه \*

دعای حضرت حجت عج فرجهم: ... خدایا به متعلمین و طلبه همت و علاقه عطا کن. طلبه باید فکر کند که چگونه همت و علاقه در مسیر طلبگی زیاد می شود.

#### اصل سوم: اصل وسواس نسبت به طعام علمی

باید دقت شود که خود ائمه علیه السلام نسبت به انتخاب استاد تاکیداتی فرمودند که اغلب از آنها غفلت می شود. یک دسته از روایات تاکید کردند که وسواس و دقتی نسبت به انتخاب استاد داشته باشید و دسته ی دیگر که در ص ۴۳۶، با تیترا انتخاب استاد شایسته آمده، ذیل آیه «فلینظر الانسان الی طعامه» روایتی در تفسیر همین آیه:

استادی که انتخاب می کنید باید از سه چیز خالی باشد؛ از کبر به سمت تواضع، از مداهنه و ماست مالی به سمت اندرژگویی و از جهل به سمت علم.  
از امام علی علیه السلام: علم را نگیرید مگر از ارباب و استادش.  
روایات دیگر ....

سبک حوزه انتخاب استاد شایسته است. باید برای استاد بگردیم و ملاک های اخلاقی، علمی و بصیرتی را در آنها بررسی کنیم.

درک محضر استاد، پرسش از استاد و القاء مطلب توسط استاد از ویژگی های کلاس است.

## جلسه دوم

### اصل چهارم: اصل داشتن شامه شناخت انحرافات

باید توانایی شناخت افکار انحرافی را پیدا کنید. باید مبنای ما حجت باشد. مراقب افکار و اخلاق سکولار، افکار استحسانی و ... باشید.

### اصل پنجم: اصل تعادل حوزوی

از اساتید مشورت بگیرید. در هر زمینه ای از چند استاد مشورت بگیرید.  
از کسانی که فقط در یک زمینه ای خیلی پیش رفته اند و زمینه های دیگر را وا گذاشته اند بپرهیزید که شما رو به سمت خودشون نکشند. دنبال اساتید جامع باشید.

### اصل ششم: اصل حفظ نگاه نخستین

اولایل ورود به حوزه حس و حال خیلی خوبی داریم. اما بعدها تبدیل به عادت می شه. سعی کنید این حس و حال اولیه رو حفظ کنید.

### اصل هفتم: اصل تجسم توفیق

استاد رو جدی بگیرید. اگر دنبال توفیق هستید دنبال استاد بگردید.

### اصل هشتم: اصل محوریت استاد

ما شیعه قائلیم که معصوم مدار علم است، و به تناسب خودش حول انسان کامل حی به تناسب خودش می گرده. لذا محوریت استاد خوب اهمیت دارد. محور استادی باشه که در راستای ماموریت شما است. نه این که حول یک ماموریت بگردید و بگویید هر استاد شد، شد.

### اصل نهم: اصل شناگری در نظرات

در هر موضوعی گستره ای از نظرات هست. شناگری در نظرات را یاد بگیرید. هر حرفی رو نشنوید. از افراد متعادل تر و جامع تر مشورت بگیرید.

### اصل دهم: اصل نهال فروشی

طلبه قبل از اینکه رشد کند وارد فعالیت های دیگر می شود. باید رشد حاصل شود.

### اصل یازدهم: اصل تناسب پی و ارتفاع ساختمان

برای ساختن ساختمان ۲ طبقه یک پی لازم است. پی لازم برای ساختمان ۵ طبقه قوی تر است. ما می خواهیم پی ای بسازیم که اگر بخواهیم ساختمان ۱۰۰ طبقه هم بسازیم مشکلی نداشته باشد. یک بزرگ اسم اصل جعبه ابزار می گذاشت. درس ها رو قوی بخونید.

### اصل دوازدهم: اصل اصالت تفکر

### اصل سیزدهم: اصل مشورت با اهل مشورت

با اساتید معیار مشورت کنید. اساتیدی که مورد رضای امام زمان است. با حجت و یقین. پله ها رو به صورت یقینی بچینید. با اساتیدی که برای شما تیم مشورتی ایجاد می کنند تا به تمام ابواب برسید.

## جلسه سوم

چهل اصل که قرار بود گفته بشه در ۱۰ محور ارائه می شه؛

### محور اول: هویت و جایگاه علم

بیان رهبری ۵ آبان ۱۳۶۹ در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده: شرط اول، درس خواندن و خوب خواندن است. من از قبل از پیروزی انقلاب، به رفقای طلابان می گفتم: بی مایه فطیر است. باید مایه داشته باشید، باید درس بخوانید. آن عالم مبارزی که ذخیره ی قابل توجهی به دست آورده است، می تواند مفید باشد. امام بزرگوار ما که توانست با آن دست قدرتمند خود، دنیایی را متحول کند، این حرکت عظیم را به برکت علم انجام داد. اگر امام (ره) عالم نبود، نمی شد. کار امام که شوخی نبود. بعد از صدر اسلام، اصلاً با هیچ حرکت دیگری قابل مقایسه نیست. چه کسی دیگر چنین حرکت عظیمی را انجام داده است؟ اگر این ابعاد را بخواهیم بیان کنیم، خودش يك ساعت طول می کشد. امام، این حرکت عظیم را به برکت علم انجام داد.

### محور دوم: هویت و جایگاه تزکیه

کتاب جهاد اکبر یا جهاد با نفس امام ره که در نجف برای طلاب گفته اند. علم نور است ولی در دل سیاه و قلب فاسد دامنه ی سیاهی را گسترده می کند. ص ۹: هر قدمی که برای تحصیل علم بر می دارید قدمی برای کوبیدن قوای نفسانی، کسب مکارم اخلاق و تحصیل معنویات و تقوا بردارید.

یک بیان مهمی درباره ی **ساده زیستی** امام در صحیفه دارند. مجموعه ی تبیان، روحانیت و حوزه های علمیه، ص ۴۴۶.

(تاریخ ۰۴/۰۳/۱۳۶۲) بحمدالله امروز وارد مسائل سیاسی شدن دیگر عیبی ندارد، ولی باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پایین‌تر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید؛ برای اینکه مردم می گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۲-۴۵۳.

### محور سوم: هویت و جایگاه بصیرت و بینش های سیاسی اجتماعی

بیانات رهبری در دیدار جمعی از روحانیون ۳۰ بهمن ۱۳۷۰  
امروز شما اگر عالم هم باشید، بسیار باتقوا هم باشید، اما زمانتان را شناسید، آن وقت آسیب‌پذیر و لغزش‌پذیر و کم‌فایده خواهید بود؛ ما کسانی را دیدیم که عالم هم بودند، بیدین هم نبودند، اما در دورانی که می توانستند برای اسلام و مسلمین مفید واقع بشوند، مفید واقع نشدند.

بیانات رهبری در دیدار جمعی از روحانیون ۱۸ بهمن ۱۳۷۱  
و حتی یک وقت می بینید که همین کوه علم و تقوا به **وزنه ای در ترازوی باطل** تبدیل می شود.

### نسبت حوزه و نظام

برای طلبه هایی که دغدغه های انقلابی تر و خدمت دارند. کتابی در این زمینه تهیه شده، رابطه روحانیت و حکومت اسلامی از نظر امام و رهبری، آقای مجتبی زاده.  
هر دو بزرگوار این نظر را دارند که سرنوشت حوزه و نظام به هم گره خورده.  
فرمایش امام: علما باید کمک کنند به این جمهوری اسلامی، کنار نشینند. کنار نشستن مثل کنار نشستن صدر مشروطیت است، امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین وابسته و گره خورده ی به سرنوشت نظام اسلامی است. صحیفه جلد ۱۵ ص ۳۳۳.

### بیانات مقام معظم رهبری:

حقیقت این است که این دو جریان عظیم - یعنی جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه‌های علمیه - دو جریانی هستند که به هم مرتبطند، به هم متصلند، سرنوشت آنها یکی است؛ این را همه بدانند. امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده‌ی به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه‌ی آحاد مردم بیشتر خواهد بود. (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۲۹/۰۷/۱۳۸۹)

بعضی که منبر می روند، وقتی انسان پای منبرشان می نشیند، گویی در این کشور انقلابی رخ نداده، گویی رهبری مثل امام راحل (رضوان‌الله‌علیه) ظهور نکرده، گویی این جنگ اتفاق نیفتاده است! این‌طور حرف می زنند و بکلی از اوضاع برکنارند! این، از آن طرف افراط است. در جهت سیاسی هم افراط خطاست. (بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد؛ ۰۴/۰۱/۱۳۶۹)

### محور چهارم: کلیدها و نکاتی درباره ی تحصیل و تعلّم

برخی نکات در جلسه قبل بیان شد.

ص ۴۳۲ کتاب علم و حکمت آقای ری شهری  
اخلاص،

انتخاب معلم صالح،

رعایت ترتیب در درس،

فارق ساختن خود برای علم؛

تمام وقتتون رو به درس و علم بدین شاید علم قدر از خودش رو به شما بده!

درايه؛ همت برای فهم

سعی کنید رو مطلب فکر کنید، کتاب رو ببینید و فکر کنید.

مشافهه

تاکید بر حضور در کلاس و کسب علم به صورت شفاهی. این به این نیست که اصلا روش های دیگر را همراه نکنیم.

حسن الاستماع

کتابت العلم

قلب يتکل علی الكتابه

سوال

در این مسئله نباید افراط و تفریط کرد. البته روایات تاکید بر پرسوال بودن دارند. البته نباید ملال آور باشند.  
تفکر

### جلسه چهارم

دوام و استقرار داشتن

درس باید طول بکشد. درس باید دوره اش کامل بشود.

صبر

کسی که سختی علم را تحمل نکند تا آخر باید سختی جهل را تحمل کند.

نفس رو به طلب علم باید عادت داد.

ورع

پیوند عمل با علم

احادیث زیاد آورده.

تواضع در برابر کسی که درس می دهد و درس می گیرد.

از جبارین علما نباشید.

میانه روی در خوراک  
علم را در گرسنگی و تلاش قرار دادم. مردم آن را در راحت طلبی و سیری می طلبند ولی نمی یابند.

### سحرخیزی

بامدادان به جستجوی علم و دانش بروید

غنیمت شمردن در خردسالی و جوانی

پرهیز از آموختن برای غیر خدا

پرهیز از خجالت کشیدن

محور پنجم: رغبت و انگیزه علم آموزی (جزء لوازم تعلم است)

### تقدم همت بر هوش

اصل تقدم بر همت است. بعضی از علما چندبار یک کتاب را می خواندند تا می فهمیدند. درباره ی مقابله با اهمال کاری کتاب اهمال کاری جناب آقا تهرانی است.

### اصل خشت اول

اگر در دو سه سال اول طلبگی آخوند شدی شدی اگه نشدی هیچی!

### محور ششم: استقامت در تعلم

علم با خون دل خوردن به دست می آید.

### محور هفتم: قطب نماهای مسیر حوزوی (استبدال رای)

بحث استاد و مشاوره که عرض شد.

خطاها به خاطر زیادی اتکا به رای خودشون به وجود می آد.

### ویژگی های استاد

استاد باید تایید شده باشه. حجت داشته باشید.

استاد متصل به شجره ی علما باشه.

استاد متعادلی باشه. در همه ی ابعاد زندگی و علم و ...

استاد جامع باشد

استاد متعددی باشد! یعنی زبان برای بیان و راهنمایی داشته باشه.

تفکیک اساتیدی که در علم قوی اند ولی در مشورت ضعیفند و برعکس. اگر کسی در علمی قوی بود لزوما دلیل

بر این نیست که برای مشاوره در آن علم هم قوی باشد.

## اصل: رعايت مراتب يك علم

### اصل: جامعيت

جامعيت نسبي مد نظر است. معمولا تا ۱۵ سال اول مي گویند جامعيت را حفظ كنید

### اصل: ايمان به غيب

از خدا بخواهید كمكتون كنه. **غيب عالم را به جوش بياوريد.**

## محور هشتم: عنايات الهی

خداوند برای طالب علم روزی اش رو تكفل می كنه تكفلی خاص بیش از اونی كه برای همه ضمانت كرده.

## محور نهم: رهنزان مسیر حوزه

### اصل: حمله از راست توسط شیطان

حمله از طرف راست. از سمت عبادات و ...

### اصل: استقامت و بصیرت اختصاصی حوزوی

برای اینکه طلبه فریب این رهنزی ها رو نخوره باید يك استقامت و بصیرت ویژه ای داشته باشه.

## اصل: آفت های علم

كتاب آقای جواد محدثی؛ آفات علم از بوستان كتاب

## وسواس

وسواس در اعمال

وسواس های اخلاقی

## محور دهم: سپاه سربازان حضرت ولی عصر عیج الله

باید از سربازان حضرت به سپاه حضرت تبدیل بشیم. این یعنی جمع شدن. كار جمعی كردن.

اصل: اقامه ی عمق دین  
فهم عمق دین برای اقامه ی عمق دین

اصل: صاحب داشتن حوزه

حوزه به ما هو حوزه برای ظهور چه کار می تونه بکنه؟

کتاب غرب شناسی علمای شیعه؛ آقای رهدار  
زحمات شیعه در مواجهه با غرب

طرح عملیاتی امام و آقا برای ظهور؟  
اینکه حکومت اسلامی برای کجا برنامه ریزی می کنه؟

جلسه ۵ و ۶ - روش تحصیل عمیق سیوطی (و ابن عقیل) ۱ و ۲

Friday, November 10, 2017

4:32 PM

**جلسه پنجم**

**سال دوم از نظر عمیق خوانی سال بسیار با اهمیتی است.**

نحو پایه ی دو از همه ی نحوها مهمتره. از چه جهت مهمتره؟ از جهت هدف ویژه ی حوزوی علم نحوه.

انگیزه ی ما از یاد گرفتن ادبیات عرب و نحو در حوزه های علمیه ی شیعه ی فارسی زبان چیه؟



ما می خواهیم به توانایی فهم عمق دین برسیم. متناسب با این هدف کلان حوزه، ادبیات چه نقشی دارد؟ دین ما در سطح فاخری از زبان هست. لذا **فهم عمق معنی** هدف اختصاصی حوزه هست. دیگه هدف ما شنیدن و خواندن و نوشتن و فهمیدن و ... نیست. چرا که با این سطح نمی توان کتاب های عمیق را فهمید.

مرتبۀ ی عصمت و مرتبۀ ی اعجاز در زبان عربی وجود دارد که در دیگر زبان ها وجود ندارد. این با زبان آموزی های معمولی متفاوت است. برای این سطوح باید به فهم عمق معنا رسید. **فهم عمق معنا مخصوص آیات و روایات**. یکی از ویژگی ها این آیات روایات قدمت آنها است.

اون جای ویژه ای که در این سه سال اول حوزه که نحو می خونیم، به طور خاص سال دوم هست.

کتاب مغنی که سال سوم می خونید با یک نظم دیگه و با اهداف دیگه ای تنظیم شده که باید اونجا درباره اش صحبت بشه. لایه های کاربردی، تعمیقی و اجتهادی سه لایه نفوذ به عمق یک علمه که تا به اهداف هر لایه نرسیم ذهن انسان نمی تونه به ساحت بعدی اون علم دسترسی پیدا کنیم. عمده هدف نحو سال اول لایه ی کاربردی است، هدف نحو سال دوم هدف ویژه اش تامین اهداف لایه تعمیقی است. اینجا در نحو مهم است. چرا که **فهم عمق معنی در لایه ی تعمیقی اتفاق می افته**. تمرکز سوم روی منظومه مباحث زبانی است. **تمرکز سال دوم روی لایه ی تعمیقی نحو باید باشه**.

کتاب سیوطی از چند جهت دارای اهمیت است:

رجوع به بحث های گذشته: سه دسته کلان اهداف حوزوی داریم؛ اهداف دانشی (کاربردی، تعمیقی، اجتهادی)، اهداف بینشی، اهداف بالعرض.

#### اهداف بالعرض؛

بزرگان تاکید می کنند که **یکی از اهداف خواندن سیوطی، این است که شما با سبک مغلّق نگاری در سنت تراث حوزوی آشنا بشوید**. در علوم مختلف تراث مهمی هست و مورد نیاز ما است، نوع نگارششون با کم و زیاد سخت و پیچیده نویسی است. کسی که خودش رو برای اجتهاد آماده می کنه باید با متون اصلی و دست اول خودشو درگیر کنه. کسانی که می خواهند در علوم حوزوی مجتهد بشوند باید به یک اقتدار متن فهمی برسند. آن شیوه ای که در حوزه برای اقتدار در فهم متن تراث وجود داره؛ مثلا در علم نحو یک کتاب سخت و سنگین مثل کتاب سیوطی رو در نظر می گیرند که شما علاوه بر اینکه دارید دانش نحو رو کسب می کنید، اقتدار فهم متون سخت و پیچیده رو هم پیدا می کنید. با یک شیوه ی خاصی، به این صورت که **در پیش مطالعه سعی می کنید شعر رو ترکیب کنید، متن رو ترکیب کنید و بفهمید، بعد از آن کلاس نحو برای شما، علاوه بر کلاس دانش نحو، کلاس کارگاه متن خوانی می شود**. تطبیقی که در کلاس داده می شود همون تبدیل به کارگاه می شه. حالا اینکه نحو رو ساده بخونیم یا با متون فارسی، بعد چند ساعت روی متن عربی کار بشه، این روش حداقل برای کسانی که می خواهند کار عمیق حوزوی کنند روش مطلوبی نیست.

یک تفاوتی وجود دارد بین اقتدار بر فهم متون مغلق و اقتدار بر فهم متون فاخر (متونی که در رتبه ی عصمت و اعجاز هستند). کسی که می خواهد کار عمیق حوزوی انجام بدهد در هر دوی این متون باید اقتدار داشته باشد. چون خیلی از محتواها از طریق کتب علما به ما رسیده و این متون غالباً مغلق هستند و از نظر نگارشی فاخر محسوب نمی شوند، باید توانایی کار بر روی متون سخت ایجاد شود.

**دومین مطلب اینکه؛ برای کار بر روی متون مغلق باید محتوا به طور کامل دستتون باشه.** مغلق بودن صمدیه به خاطر اختصار و هنری بودن آن است، اما مغلق بودن سیوطی به خاطر به هم ریختگی و سختی متن هست. شما با علم نحو درگیر هستید و با خواندن سیوطی علاوه بر علم نحو و در حاشیه اش کار بر روی متون مغلق را هم یاد می گیرید.

**پس اقتدار در فهم متون مغلق هدف مهم بالعرضی است که حین خواندن سیوطی باید به آن برسید.** از رجوع به متون اصلی و تراث نترسید و با آنها انس داشته باشید حتی اگر محتواشو نفهمید.

### **دومین هدف بالعرض؛ یک سبک از شرح کردن ها رو ضمن کتاب سیوطی یاد می گیرید.**

غالباً تراث ما بر اساس سبک متن، شرح، حاشیه نوشته شده. یک متن خلاصه ای هست که بر اون شرح می زنند و به شرح هاش حاشیه می زنند، یا بر شرحش شرح می زنند. با مدل های مختلف هم شرح می زنند. یک مدل شرح قال اقولی است، یک مدل شرح مزجی است که دارید برای اولین بار در کتاب سیوطی تجربه اش می کنید. ممکنه مدل های دیگری هم باشه. **با مدل های شرح نویسی آشنا می شوید.** اینکه بفهمید شرح قال - اقولی با شرح مزجی چه تفاوتی داره. مدل شرح مزجی یک ظرافت هایی داره. سعی کنید شعر ابن مالک را شرح مزجی کنید (فارسی باشه). متن با شرح باید یکی شود. می بینید یک قواعدی وجود دارد. شرح لمعه هم شرح مزجی است.

### **سومین هدف بالعرض؛ توانایی یافتن نقاط عطف و حفره های متن.**

شما ذهنتون یک ذهن نقطه ی عطف یاب و حفره یاب بشه. چرا شارح یک جای خاصی رو حاشیه زده یا شرح داده. شما متوجه می شوید مثلاً ۵ جا نقاط تمرکزی صفحه هست. شما آرام آرام این توانایی رو پیدا می کنید. سعی کنید قدرت های پنهان ذهن را آشکار کنید. وقتی جایی حاشیه زده می شه چند جای متن رو روشن می کنه. کسی که حاشیه می زنه به جای اینکه چند جا رو حاشیه بزنه اومده روی یک نقطه متمرکز شده و اونجا رو حاشیه زده که با این کار چند جای دیگه واضح شده. این خودش کلیده و محتوا برای شما به اصل و فرع تفکیک می شه. **شیوه ی فکر کردن.** اینکه شما دقت کنی بفهمی جناب سیوطی به مطلب جناب ابن مالک چچوری فکر کرده. چرا اینو گفته و اونو نگفته و ... یا این که دلیل می آورد و ... این ها همه با اون کارگاه های پنهان حاصل می شه. پس از چند ماه این تمرین جواب میده.

### **اهداف بینشی؛**

**آشنایی با تاریخ نجاه؛** اینکه شما تاریخی از شجره ی نحوییون دستتون باشه و بشناسید که ابن مالک و سیوطی کجای این شجره هستند. ابن مالک متأثر از چه کسانی بوده؟ سیوطی متأثر چه کسانی بوده؟. این یک مدله که در فقه و اصول مهم می شه.

### **آشنایی با تاریخ علم نحو؛**

## مکتب شناسی علم نحو؛

**کتاب شناسی توصیفی؛** می‌تونید برید پیش یک استاد ۱۰ تا ۲۰ تا منبع پرکاربرد را برای شما معرفی کنه. هر کتاب مثلاً ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت. علت انتخاب کتاب، سبک کتاب و ... که در آینده کمک بسیار زیادی برای شما است در جایی که به آن نیاز دارید.

## جلسه ششم

### اهداف دانشی؛

برای کتاب سیوطی باید برای هر سه لایه ی کاربردی، تعمیقی و اجتهادی نحو کارهایی انجام بدهید. تمرکز اصلی در لایه ی تعمیقی است. اما باید یک سری کارهای کاربردی به عنوان مکمل های سال قبل انجام بشه و یک سری کارهای اجتهادی به عنوان مقدمه و دورخیز برای سال بعد. اگر کسی قوی باشه می‌تونه خیلی از کارهای اجتهادی رو اینجا انجام بده. بستگی به اون قوت فرد داره.

### لایه کاربردی؛

کارهای کاربردی رو قرار بود تو کتاب صمدیه انجام بشه تا بتونید متون عادی رو بخونید و بفهمید، اعراب گذاری و تجزیه و ترکیب کنید. اگر در این زمینه ها مشکل دارید حتما باید این مشکل رو حل کنید. چطور؟ به طور خاص با همون کارگاه های پنهان حین کلاس. یعنی متن الفیه رو در پیش مطالعه به صورت کامل تجزیه ترکیب کنید. سعی کنید مشکلاتتون رو هم به کمک استاد رفع کنید. بعد از مدتی مهارت پیدا می‌کنید. این تازه می‌شه صحیح خوانی. این کار سال اول بود.

کار جدی کاربردی ویژه ی امسال روان خوانی است؛ **روان خوانی یکی از اهداف مهم لایه ی کاربردی امسال است.** موضوع بعدی **درک محتوا حین خواندن متن** است. یک کار دیگه در لایه ی کاربردی **ریختن ترس شما از شعر فهمی** است. یکی دیگر از اهداف لایه ی کاربردی خلاصه و **جمع بندی نهایی** مطالب است. اگر بتونید یک کتاب رو محور قرار بدید که مرتب باشه و نتیجه های نهایی رو ضمن اون جمع بندی کنید. یکی از اساتید تاکید کردند که حتما سعی کنید کل اشعار الفیه ی ابن مالک رو تجزیه و ترکیب کنید.

یک کتاب هست به اسم القواعد النحویه آقای سید قاسم حسینی (تقریباً بهترین تصحیح سیوطی رو داره) و آقای ملکی اصفهانی.

مطلب بعدی **بحث لغت و ترجمه** هست که هر سال باید در کنار کار نحوی داشته باشید. با ادبیات فارسی انس بگیرید. کمک می‌کنه.

مقایس اللغه یک جلدی، یکی شش جلدی هم هست.  
معجم الفروع اللغویه، چاپ جامعه مدرسین؛ برای همسایگی های معنایی مثل شکر و حمد.

المنهل فی الفروع اللغویه، چاپ بوستان کتاب، برای همسایگی های لفظی مثل سید و سید.

ترجمه هم بسیار مهم است. اینکه دقیق بدانید یک عبارت یا کلمه در زبان مادری به چه معنی است. تا اینکه به ترجمه ی بلاغی برسید.

کتاب فن ترجمه، یحیی معرف، انتشارات سمت.  
ترجمه از عربی به فارسی، رضا ناظمیان، انتشارات سمت.

«مهمترین هدف لایه ی کاربردی روان خوانی و درک مطلب حین روان خوانی است.»

### لایه ی تعمیقی؛

فهم عمق معنا هم می تواند در لغت باشه هم در صرف هم در نحو.  
اصلا این فهم عمق معنا چیه؟

مثال باء بسم الله. باء حرف جر است. یک متعلق به می خواهد. این بسم متعلق به چی هست؟ در بعضی از تجزیه و ترکیب ها دیده می شود که فقط سعی می کنند یک متعلقی برایش پیدا کنند. برخی گفته اند به الحمد بعد متعلق است. آیا جار و مجرور می تواند به بعد از خودش متعلق باشد؟ اقوالی هست. اینها که قبول ندارند دست ما را برای این فهم معنایی می بندند. یک وقتی اختلاف در قاعده است یک وقتی قاعده را قبول دارند ولی اختلاف در مقام مصداق است. قدم از قدم بر نمی داریم مگر اینکه اختلافات نحوی حاضر است.

### مولفه ها فهم عمق معنا؛ در نحو حوزوی

استناد معنا به لفظ، معنایی که از خود خود لفظ فهمیده می شه. نه از قراین.  
چنتا کتاب هست که دغدغه های معنایشون زیاد بوده. تعداد زیاد کتاب مهم نیست مهم اینه که با هدف مطالعه کنیم. باید صید کنید نه شنا کنید.  
مثال: لیس کمثله شیء  
مثال: الا بذكر الله تطمئن القلوب

**جمع صناعت و معنا؛** اینکه فقط به مباحث معنایی بپردازیم مطلوب نیست. باید بتوانی مباحث معنای را مستند به لفظ کنی.

**جمع اقوال با استعمال؛** خیلی وقتا گفته می شه مهم استعماله، اقوال مهم نیست. اینا متأثر از زبان عربی معاصره. برای ما کشف قواعدی است که ۱۴۰۰ سال پیش با هم صحبت می کردند.  
یک سری از کتاب ها تعلیلی نوشته شده و گاهها توجیه آورده اند که خوب نیست. بعضی هم تحلیل کرده اند. با علم نحو درگیر بشید و پرونده سازی کنید. استدلال ها را می شود بررسی کرد. کتاب های اصول نحو خواستند استدلال ها را بررسی کنند ولی کم اند. الاقتراح سیوطی تا حدودی اینطوری است.

می توانید مکاتب نحو و تفاوت آنها در نوع استدلال رو هم بررسی کنید. اینجا است که کتاب الانصاف مهم می شه.

کتاب اصول نحو، مهدی جمالی، شمیم قلم. برای آشنایی کتاب خوبی است.

**جمع تحلیل و تتبع؛** خیلی وقتا نحوییون انسان های متتبع قوی هستند (گردآوردی اقوال و نظرها) ولی تحلیل قوی ندادند. در مقام جمع بندی نمی تواند خوب جمع کنه. باید بین تحلیل و تتبع جمع کرد. (استاد هاشمیان در زمینه عالی هستند)

در مقابل هر کدام از این سه مولفه ی نحو حوزوی سه مدل نحو است که به آن نحو شبه حوزوی می گیم. به درد کار حوزوی می خوره ولی حوزوی نیست. اسم هایی است که ما می گذاریم. **نحو معنایی، نحو تحلیلی، نحو تیسیری.**

در نحو معنایی خیلی جنبه ی معنا پررنگ شده و رنگ صناعت کم رنگ. در نحو تحلیلی رنگ تحلیل در مقابل تحلیل بیشتر است و در نحو تیسیری رنگ استعمال شدید ولی جنبه ی اقوال خیلی کم رنگه. آقای فاضل السامرائی سر دمدار نحو معنایی هست که یک مقدار گرایش وهابی داره و ... در نحو تحلیلی، یک سری اصولیون شیعه سعی کردند بر اساس همون اصول در نحو بیان کتاب بنویسند. با نگاه اصولی یک بار به زبان نگاه کردند. آقای بهبهانی، میرزا آقا تبریزی و صادق آقا ملکی ... فکر می کنم. این سه نفر اصلی اند. چهار تا کتاب است. که بخشی اش کتاب اصولی است. یکی اساس النحو علامه بهبهانی است. این کتاب ها از نظر تتبعی ضعیفه. نحو تیسیری یک جریان عظیمیه و در صد سال اخیر راه افتاده. و از دو مورد دیگر از نحو حوزوی دورتره.

یک دسته از نحو هم **نحو غیر حوزوی** است که با مبانی غربی است و مبانی معرفتی اشتباهی هم دارد.

به ترتیب اهمیت روی این سه کتاب به عنوان منابع اصلی رجوع حین مطالعه سیوطی اجماع هست. البته نیاز نیست همه ی کتاب رو مطالعه کنید. وقتی سوالی هست. دغدغه هست و .. بهشون رجوع کنید.

کتاب **نحو الوافی عباس حسن**، متاخره. کمالات نحو تیسیری رو گرفته ولی کاملا سبکش حوزوی است. شرح کافی مرحوم رضی. شیعه و در نحو بسیار قوی. کمالات نحو معنایی رو گرفته. حاشیه الصبان. کمالات نحو تحلیلی. حاشیه صبان واقعی با ادبیات عرب برخورد کرده.

حتما به شرح **کافیه** هم رجوع کنید. جنبه های معنایی در شرح کافیه قویه. حاشیه الصبان هم متاخره. جنبه های تحلیلی اش خیلی قویه.

کتاب های معاصر مثل بدایه و نهایه و ... آدرس های رجوعی خوبی به شما می ده. وقتی رجوع می کنید دنبال چیزهایی که بر فهم معنا اثر دارد بگردید.

یکی از نقاط اهمیت سیوطی این است که شرح الفیه است. چون بیشتر تراث نحو حول الفیه ی ابن مالک شکل گرفته. شرح سیوطی، شرح ابن عقیل، شرح اشمونی. که حاشیه الصبان حاشیه بر شرح اشمونی است. یعنی برای رجوع به صبان باید شرح اشمونی رو بفهمید تا حاشیه صبان رو بفهمید.

یک هم شرح ابن هشام به اسم **اوضح المسالك**. شرح ساده ایه. از جهت رجوع خیلی خوبه. اوضح المسالك یک شرح داره به نام **التصريح على التوضيح** که برای ازهری است، که خیلی مهم نیست. اما یک حاشیه بر این التوضیح هست که خوبه. از شیخ یاسین حمصی. حاشیه خُضری بر شرح ابن عقیل هم هست.

## جلسه ۷ و ۸ - روش تحصیل عمیق منطق مظفر (و منطق ۲ منتظری مقدم) ۱

Saturday, November 11, 2017

12:19 AM

جلسه هفتم

علم منطق یک علم عقلی و حقیقی است. در حالی که علم نحو اعتباری است. علم نحو تا حدودی تعبدی است. اما علم عقل بر مدار عقل است. در علم منطق اقوال اهمیتی ندارد ولی در علم نحو مهم است. در علم نحو تاکید شد که سراغ کتاب های متاخر نروید. ولی این برای منطق اصلا جاری نیست. فارسی بودن و جدید و قدیم بودن در علم منطق خیلی مهم نیست.

باید یاد بگیرید که سه سبک و سه روش ورود و خروج به علم وجود داره. یکی سبک علم نحوه. در سر تعقل و نقل قرار می گیره، یک سبک منطقه که این سر عقل قرار می گیره و یک سبک بلاغت هست که وسط قرار گرفته. این مطلب بسیار به بلاغت و نحو ضربه زده.

بعضی ها سبک نحو خوانی در حوزه رو برای منطق تجویز کردند و خواستند به اصطلاح کاربردی کنند.

برای پیش مطالعه باید دغدغه ی فهم معنا داشته باشیم، تفکر منطقی پیدا کردن، دغدغه ی انطباط ذهنی، دغدغه ی تفکر فنی پیدا کردنه. وقتی دلیل می آورد یک دلیل عقلیه یعنی من هم باید بفهمم. مثل نحو نیست.

نموداری کردن حقیقی یعنی رسیدن نظم واقعی متن. باید به چینش های منطقی برسید.

### پیش مطالعه؛

باید یک بخش زیادی از مطالعه ات رو در پیش مطالعه انجام بدی. یک بخشی از کتاب های منطقی که معرفی می شه به خصوص متاخرین رو مطالعه کنید و تمرکز کنید که وقتی می رید سر کلاس می خواید خودتون بفهمید که چی شد. نه اینکه ببینی استاد چی گفت یا کتاب چی گفت. در نحو اینطوری نیست باید به یک نظمی از زبان عربی برسی ولی در منطق می خوای به یک حقیقت برسی. پس **یک حدی از پیش مطالعه لازمه، یک کلاس با فعالیت ویژه لازمه، فهمیدن لازمه لازمه.**

### در مطالعه؛

در مطالعه می‌خواهی رجوع و تحقیق کنی، انگیزه‌های رجوع چه فرقی با انگیزه‌های رجوع در نحو داری؟ اینجا حتما اصراری نیست که به کتاب‌های زبان عربی رجوع کنیم. چون می‌خواهیم به فهم برسیم. باید ترکیبی از کتاب‌ها باشد.

### در مباحثه؛

نیاز به بررسی بیان کتاب نیست، فقط در حد شاهد آوردن برای فهم بهتر.

### کاربردی کردن منطق به چه معنا است؟

کاربردی کردن هر علمی به تناسب آن هدف ویژه‌ی متناسب با همون علم است. به خاطر این اسم لایه‌ی اول دانش رو گذاشتیم کاربرد، چون وقتی می‌گیم کاربرد همون هدف‌های عمومی به اذهان می‌آد. اما به معنای دقیقش اگر هدف هر لایه تأمین بشود بسته به نیاز و هدف همان لایه آن کاربرد دارد. آیا منطق غیر از اون هدف عمومی هدف ویژه‌ای نداره؟ خیلی از افراد منطق رو می‌خوانند. در حد همان هدف عمومی. اونم بیشتر خودشو تو دوتا بحث خودشو نشون می‌ده: استدالات و مغالطات. پس هدف کاربردی و عمومی منطق غالباً در فضای تصدیق هست، اینکه بتوانی درست استدلال کنی از جهت صورت و مخصوص از جهت ماده هم دچار مغالطه نشوی.

### هدف اختصاصی و حوزوی منطق؛

زبان علمی و فنی بودن برای علوم مقصد حوزه. منطق قراره ابزار و آلت برای فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر علوم مقصد حوزه (علوم نقلی: فقه، اصول؛ عقلی: فلسفه، کلام و عرفان) باشه. مثلاً در الموجز چندین جا منطق اثر داره. حدسیات در اجماع. حسی بودن و حدسی بودن. این باید در منطق برایت واضح شده باشد. از منطق ناظر به همین اهداف باید باشه. این کاربردی کردن در این سطح است.

مهم‌ها: **المدخل** هم برای مباحث اصولی و عقلی. **باب الفاظ** برای جنبه اصولی، بحث **کلی و جزئی** مهمه برای هم اصولی و هم عقلی. بحث **تعریف** برای اهداف عمومی است برای اهداف اختصاصی اگر به عمقش برسی. **اقسام قضایا** بسیار مهم است برای هم اصول و هم عقلی. **اقسام قضایا** برای هر دو. احکام قضایا برای عمومی. **استدلال باب قیاس** برای اهداف عمومی و **استقراء و تمثیل** برای جنبه‌های اصولی. **مبادی هشت گانه** اهمیت ویژه‌ای برای هر دو علم دارد. **باب تصورات** خیلی مهم می‌شه، **باب صناعات**؛ برهان و مبادی، و ... **جدل و خطابه و شعر** برای اهداف عمومی است. **مغالطات** هم برای اهداف عمومی.

نتیجه اینکه رو بعضی از مباحث منطق باید بیشتر کار کنید. باید وزن دهی شدیدی روی صفحات انجام بدید. احکام قضایا تقریباً ۱۴۰ ص نیاز به اندازه‌ی ۴۰ ص کار دقیق حوزوی وقت بگذارید. جدل و خطابه و شعر حدود ۱۰۰ ص بیشتر از ۲۰ ص نیاز به کار جدی نداشته باشه. منظور اینه که ۲۰ ص نیاز به کار جدی داره.

بحث تعریف ۴۰ ص تقریباً نصفش عمومی و نصفش تخصصی. اینطور می‌شه گفت که نصف کتاب بحث‌های عمومی‌ه که باید در لایه‌ی کاربردی کار می‌کردید.

### هدف بالعرض؛

شما باید از حلقه های منطقی استفاده کنید و به ذهن مولف برسید.  
رسیدن به تفکر منطقی؛ ببینید چی می خواسته بگه. باید ذهنتون رو منطقی با بیارید و منظم کنید.

یک نفر در درون شما بیاید روش بیان منطقی و چینش منطقی رو یاد بگیره.  
روش تدریس،  
روش خطابه،  
و ...

### اهداف بینشی

در قدم اول کار روی تاریخ منطق دانان  
در قدم دوم، کار روی تاریخ منطق دانان  
قدم سوم، کار روی مکاتب منطقی  
فلسفه ی منطق

### جلسه هشتم

منطق مظفر برای اهداف لایه ی دوم منطق است. در این لایه باید دغدغه های لایه ی تعمیقی منطق رو پیش ببرید.

یک بحث های کلانی هست که باید به یک فکر و نظام و دید منطقی برسید و لزوما با خواندن متن کتاب به اون دید کلان نمی رسید:

۱. فهم موضوع و هدف منطق، در کتاب منطق مظفر دقیق نگفته.
۲. منطق اسلامی از قرن ۹ به بعد دچار رکود شد. نتیجه ی مهمش اینه که کتاب ها مهم ما کتاب های ۸ به قبله. فلسفه ی ما رو بیشتر فلاسفه و متکلمین نوشتن. اگر علمای علوم نقلی ناظر به علم فقه و ... کتاب می نوشتند با دغدغه های فقهی و اصولی، اون جنبه از علم منطق که مربوط به مباحث نقلی هست هم رشد می کرد. که اینها خیلی رشد نکرد.
۳. منطق اسلامی بر خلاف فلسفه تک مکتب است. مکتب بوعلی مکتب منحصر به فرد است. البته ریز مکتب هایی وجود داره ولی مکتب مستقل در برابر بقیه نیست.  
بحث مکتب اعتباریات با تقریر صحیحش است.
۴. اشراب مبانی فلسفه ی ملاصدرا در دل منطق است. یک بخشی از منطق ما متأثر از مبانی فلسفه ی بوعلی است. با پیشرفت هایی که در فلسفه ی ملاصدرا حاصل شده بعضی از بحث های منطق ارتقاء ها و رشد



هایی پیدا می‌کنه. به طور خاص در جلد ۹ و ۱۰ رَحِیق، که آیت الله جوادی تصریح می‌کرد که بعضی از مباحث منطقی ما بر اساس فلسفه ی بوعلی و مشاء است که باید ارتقاء پیدا کنند.

۵. باید این ابواب عمومی منطقی باید تحت یک بحثی جمع بشه، حالا با هر اسمی، این با توجه با اینکه جنبه ی عقلی و معرفتی دارند. یک بعد غیر معرفتی هم داریم. یعنی انفعال. مثل رسانه ها. مسائلی هستند که بدون معرفی روی ما اثر می‌گذارند.

### مباحثی که در علم فقه و اصول بسیار مهم اند:

۱. **بحث دلالت التزامی**؛ بسیار مهمه و در علم اصول سرنوشت ساز است. فعلا آنچه کتاب ها درباره ی دلالت التزامی دارند را جمع کنید. کتاب های آقای قراملکی و ... چند کتاب دیگه که تو عمق منطقی یک گفته شده. برای دلالت التزامی یک پرونده ی جدید باز کنید که اینجا تتبع منطقی اش رو انجام می‌دهید و در اصول تتبع های اصولی را انجام بدهید.
- باید سال نهم و دهم حوزه در سال دوم شما تغییر ایجاد کنه. یعنی وقتی می‌دونید سال نهم حوزه به اینجاها برسم، باید مدل خوندن اول و دوم و سوم رو تغییر بدم. باید تتبعاتون در این بحث کامل بشه. باید در تمام مقاطعتون سیر کنید. **این استاد می‌خواهد** که جلوتر رو به شما نشون بده بگه چی رو بردار.
۲. **بحث حمل اولی و شایع**؛ این بحث هم تو اصول هم تو فلسفه اثر داره. البته به شدت در فلسفه اهمیت دارد. باید به کتب متاخر رجوع کنید.
۳. **قضیه ی حقیقیه ی خارجی**؛ باید یک فرد قوی در منطق، اصول و فلسفه باشه که خوب بتونه از پس این قضیه بر بیاد. کتابی که خوب اونو بیان کرده کتاب تصدیقات هست. الان کارهی تتبعی رو انجام بدید، در اصول کارهای اصولی و در فلسفه کارهای فلسفی شو انجام بدین، بعد در کنار مطالعه ی برهان شفا (اجتهادی)، این مباحث رو جمع بندی کنید.
۴. **سه شرط باب برهان؛ ضرورت و کلیت و ...**
۵. **اقسام یقینیات**؛ خیلی اینو جدی بگیرید. شدیداً در فلسفه و اصول به کار می‌آد.

### دسته دوم بحث های مهم:

ب. **بحث کلی و جزئی**؛ بحث تشکیک، بحث مشکک؛ بحث منطق گزاره های عدمی، معانی ذاتی و عرضی، مرحوم مظفر بخشی رو تو باب تعریف آورده و بخشی رو برهان، تفاوت عرض، عرض و عروض باید خوب کار بشه، مبانی معرفتی منطق، بحث تقابل، بحث کلیات خمس، فرق ذات با عرضی، فرق جنس با فصل و ...، **بحث کلی منطقی**، کلی عقلی و کلی طبیعی، خیلی مهم و سخته، باید خوب روش کار کنید که بعداً به دردتون می‌خوره. بداهت تصویری، بحث شروط تناقض، مهمه. قید لذاته چیه؟ **بحث مشهورات**، در اصول خیلی بدرد شما می‌خوره. اما مبناي مشهورات جناب مظفر غلط هست. برهان ان و لم چیه؟

### دسته ی سوم؛ مسائلی که مستقیماً روی فلسفه و اصول اثر نداره ولی جزء مسائل مهمه:

بحث عقدالوضع و عقد الحمل که مظفر نیاورده، قضیه ی طبیعی، بحث استقراء، بحث تمثیل، فرق تجربه و استقراء، بحث جدل، مغالطات، که باید به مغالطات تخصصی تر پردازید.

### معرفی کتاب های متاخر:

**کتاب لایه اول:** منطق ۲ آقای منتظری به عنوان پیش مطالعه. کتاب منظمی است. منطق کاربردی آقای خندان. منطق صوری آقای خوانساری در حد منطق ۱ است. منطق در آیین روایات. محتوایی هم دارد بیشتر ناظر به بحث های عمومی است.

بعضی از شروع و حاشیه ی حول منطق مظفر. حاشیه ی آقای فیاضی و مرحوم مظفر.

**کتاب عمیق تر:** معیار دانش ۲ جلدی آقای عسکری سلیمانی نشر موسسه امام خمینی ره. حتما تهیه کنید. یک کتاب دیگه از ایشان به اسم شرح التنقیح. کتاب منطقی خلاصه ای از ملاصدرا است. شرح التنقیح هم خوبه. خاص است چون نظرات ملاصدرا درش هست و بیشتر منطق بعد از قرن ۸ رو داره بررسی می کنه. باز کتابی از آقای سلیمانی. از نشر. یه سری مطالبی که در مظفر نیومده. منطق پیشرفته. کتاب رهبر خرد آقای محمود شهابی. منطق یک و دو، فرامرز قراملکی نشر پیام نور. ایشان جزو محدود دانشگاهی هستند که روی منطق اسلامی خوب کار کردند. منطق استدلال (منطق حقی) آقای داوود حیدری، چاپ دانشگاه آزاد رضوی. این کتاب تو فضای منطق جدید نوشته شده و به طور خاص به استدلال مباشر و پرداخته. مغالطات آقای خندان. شرح التنقیح هم برای غنی خواننده. سخته.

**بین لایه دو و لایه سه:** شرح التنقیح، کتاب قبسات الیقین آقای از موسسه آقای مصباح. مبادی و باب برهان. تحقیقات مفصلی داره. کتاب شرح برهان شفا جناب علامه مصباح. ماهیت منطق و منطق ماهیت، چاپ مجمع عالی حکمت. این کتاب شرح نهج اول و دوم بخش منطق از کتاب اشارات است. سطح این کتاب بالاتره و برای غنی کردن به کار می آد.

### کتاب های قدیمی

**در سطح یک و نیم:** کتاب الحاشیه علی تهذیب المنطق ملا عبدالله. کتاب خوبیه. اما اولویت نداره. حواشی ها و حواشی حواشی ها مهم اند. التنقیح ملاصدرا. کتاب سطح یک بیشتر نیست. کتاب خلاصه ای است. شرح شمسیه. معروفه. جوهر النضید. شرح علامه حلی است. اساس الاقتباس خواجه نصیر الدین طوسی. مشکلش اینه که فارسی قدیمی ای حالت دری و ... داره. شرح شمسیه و جوهر النضید رو کنار منطق مظفر ببینید. اما خیلی انتظار بالایی نداشته باشید. این ها جزو تراش ما هستند.

**سطح بالاتر در حد سطح سه:** کتاب اشارات بوعلی. کتاب سخته. مفصل نیست ولی فهمش سخته. کتاب برهان علامه طباطبائی. ایشان باب برهان رو طبق نظرات خودشون نوشتن. چاپ بوستان کتاب. شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری. شرح منظومه شعر هست که خود حاجی گفته و خودش هم به صورت مزجی شرحش کرده. این یه خورده پیچیده ش کرده. حاشیه هم زده.

بعضی کتاب تک موضوعی هم هست. کتاب حمل اولی و شایع. محمود زراعت پیشه. قضیه ی حقیقه و خارجی. آقای کردی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. کتاب تصدیقات. کتاب مفصیله. آقای محمد حسین زاده نوشته. یکی از اساتید موسسه علامه مصباحه که رو معرفت شناسی کار می کنه. ربطش اینکه که چیزهایی که در منطق مظفر نیست اینجا هست. کتاب خوبیه.

**کتاب های بینشی:** تاریخ فلسفه ی اسلامی سه جلدی است. موسسه امام خمینی چاپ کرده که جلد دوم از منطق داره.

### مقالات منطقی:

**معارف عقلی**، جلد‌های ۵ و ۹ و ۱۳ و درباره ی منطق است. موسسه ی امام خمینی. به شماره های مربوط به فلسفه است و ... به سری هم داره جدید چاپ می کنه به عنوان **معارف منطقی**. برخی مقالات آقای اسدالله فلاحی مشکل داره. مشکلات معرفتی دارند و ناظر به منطق جدیده. همه ی این مقالات خوب نیست. آقای قراملکی هم مقالات خوبی داره که تو کتابی جمع شده. جستار در میراث منطق دانان.

ابعاد غنی خوانی: سه بعد از غنی کردن.  
به سری کتاب ها تکمیلی بودند. بحث هایی که یک کتاب اصلی نیاورده، با کتاب های دیگه جبران بشه. کتاب های معیار دانش و التئیح می تونه برای تکمیل استفاده بشه.  
یک سری کتب اقماری، مباحثی که منطق نیست ولی مرتبط با اون هست، مثل روش تفکر، خلاقیت، موضوعاتی که در روش شناسی مطرح هست، برای کسی که می خواد غنی کار کنه. کتاب هایی مثل **ماهیت خلاقیت** چاپ به نشر، **تفکر منطقی**، روش تعلیم و تربیت است بر اساس تفکر منطقی، ترجمه شریعت مداری، سمت، **آموزش تفکر انتقادی**، ترجمه ی آقای خدایار، چاپ سمت، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت های تفکر)، شعبانی، سمت، **نقد و خلاقیت در تفکر**، شریعتمداری، فرهنگ و اندیشه، **صد ایده در آموزش مهارت های تفکر**، به نشر، **تفکر خلاق در منابع اسلامی** (ارائه ی الگوی تفکر محور برای نظام تربیتی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی، روانشناسی تحلیل اطلاعات (دشمن چگونه می اندیشد)، فرشچی، کتاب **تاریخ مطالعات زبان‌شناسان مسلمان**، سمت، کتاب خوبیه بگیرید، **منطق قدیم از دیدگاه منطق جدید**، دانشگاه علامه طباطبائی، کتاب **مبانی منطق و روش شناسی**، دکتر نبوی، دانشگاه تربیت مدرس، با این کتاب می تونید با منطق جدید آشنا بشید. کتاب **فن استدلال** (منطق حقوق اسلام)، جعفر لنگرودی، نشر گنج دانش، سعی کرده منطق فلسفی نباشه. **تمثیل درمانی گری** (کاربرد تمثیل در بازشناسی شنونده)، علی صاحبی، سمت.  
و یک سری کتب امتدادی است. مثل امتداد منطق اسلامی در اسلامی کردن علوم انسانی، در تمدن اسلامی، .. منبع مستقلی ندیدم. سعی کردیم تو عمق منطق ۱ این ها رو بیاریم.

جلسه ۹ - ورود به پایه سوم

Tuesday, January 23, 2018

5:09 PM

برنامه های حجیم برای تابستان از انرژی سال بعد کم می کنه.  
صحیح ترین کاری که برای تابستان به نظر می آد اینه که ضعف های سال گذشته یا سال های گذشته رو جبران کنید. معمولا این ضعف ها می آد و یک جایی اذیت می کنه.  
برنامه ای برای جبران ضعف ها و یا جاهایی از کتاب که در طول سال به هر دلیلی خوانده نشده بگذارید.  
یک برنامه ی جدی برای لغت بگذارید، یک برنامه برای ترجمه ی صحیح بگذارید.  
کار جدی تجزیه و ترکیب، تو درس تجزیه و ترکیب کار فنی و جدی صورت نمی گیره.

باید برگردیم به عقب و ضعف ها رو جبران کنیم، به خصوص درس هایی که فقط یک بار خوانده می شود.

کار جدی در فضای نحو؛

پر کردن چاله چوله های نحو، ضعف هاتون و اون جاهایی که نرسیدید بخونید. بحث های حکایت، اعراب افعال، عدد بحث های مهمی است. می تونید از صوت استاد هاشمیان استفاده کنید. چون تو نحو چند کتاب می خونید یک کتاب رو مرجع قرار بدید و مطالب رو حول اون جمع کنید و یا حداقل مطالب کتاب های دیگه رو آدرس بدید. مهارت مدیریت تتبع ها و نوشته و تحقیق ها بسیار مهمه که اغلب مورد غفلت قرار می گیره.

**برای مطالب به چکیده نویسی داشته باشید که بعدا بتونید رجوع کنید.**

پیشنهاد یکی از طلاب: ذیل هر مبحثی قواعدشو بیاریم و بعد دو کار انجام دهیم. یکی مثال سازی کنیم. یکی مثال یابی. استاد بغدادی: این ها کارهایی است که باید در طول سال انجام بدید.

### \* برای اینکه بدونید قواعد پر کاربرد رو به دست بیارید؟

**نحو:** می خونیم که در خدمت آیات و روایات باشند. مثلا صحیفه ی سجادیه و چند سوره از قرآن رو در نظر بگیرید و هرچی یاد گرفتید رو روش پیاده کنید. (هر چی بلد هستین نه هر چی تو کتابا هست) پیشنهاد استاد سوره ی حمد هست که بیشتر مفسیرین خیلی جدی از نظر ادبی و ... مفصل بهش پرداختند. از باء بسم الله شروع بشه. هر چی بلدید. **باید نطق نحوی شما باز بشه.** خودتون بررسی می کنید. متوجه می شید که کجاها رو ضعف دارید. به کتابتون رجوع می کنید. اینطوری نحو رو از دریچه ی نحو مرور می کنید، نحو رو از دریچه ی کاربرد اصلی اون (کاربرد در آیات و روایات) مرور می کنید. از این طریق به اهمیت مباحث می رسید. موم که شد به کتاب های تفاسیر مثل المیزان، کشاف مراجعه کنید. کتاب ابن هاشور، متاخر است و با سوال وارد تفسیر می شه. تفسیر تسنیم علامه جوادی. ببینید یک مفسر چی فهمیده که شما نفهمیدید؟ به چه چیزهای دقت نکرده بودید یا چه چیزهایی رو نخوندید. درگیر می شید که خودتون فکر نحوی بکنید. در دور به کتاب ها رجوع می کنید و مثلا کل صرف براتون مرور می شه. در دور دوم که به تفسیر رجوع می کنید می بینید بعضی مسائل هست که شما بلد نیستین. می بینید به جاهایی رو شما یادتون رفته، یا چیزهایی رو کتابتون نداشت. به تفسیر سوره ی حمد امام ره هم رجوع کنید. **کتاب سلسیل، آقای علیدوست. نشر اسوه.** دو تا سه تا از آیاتش رو کار کنید. اول خودتون کار کنید بعد کتاب رو ببینید. تاکیدم روی این کتاب اینه که روشمنده. **در متن خوانی؛** ابتدا باید متن رو صحیح بخونید، در مرحله ی بعد متن رو روان بخونید. این نیاز به چی داره؟ **این نیاز به حجیم خوانی داره.** باید از متون فاخر دینی (جز قرآن و نهج البلاغه چون نیاز به مهارت بالاتری داره) مثل دعاها، سعی کنید اعراب رو بردارید و سعی کنید خودتون بخونید. بعد اعراب رو بگذارید و ببینید کجا رو اشتباه خوندید. صحیفه و ادعیه رو بخونید. اینها متن مسجع و آهنگین هست. از روایات هم استفاده کنید. بهتره اخلاقی باشه. همون روایات باب علم و حکمت خوبه. یه دسته هم شعر هست. باید بتونید شعر عربی رو خوب بخونید. یک کتاب هست کل اشعار منصوب به ائمه اطهار علیه السلام رو جمع کرده. **کتاب درالثمین. سبحانی.** **در لغت؛** باید لغات قرآن رو حفظ کنید. کتاب تفسیر واژگان قرآن کریم. **قرآن محور پیش برید.** برنامه بگذارید قرآن رو بخونید. هر جا معنی لغت رو ندونستید به کتاب رجوع کنید. می تونید از ابتدای کتاب هم شروع کنید لغات رو حفظ کنید. موضوع بعدی، **قواعد لغت** هست. دقیقا بخواهیم معنی یک لغت رو بدونیم. چرا مثلا یک جا حمد به کار رفته و جایی شکر؟ دلیل انتخاب اینها چیه؟ اینها دیگه به حفظ لغت بر نمی گرده. اینها به اجتهاد در لغت بر

می‌گردد. این که این لغت به لغت دیگه چه فرقی می‌کنه. اینها رو باید شروع کنید. خیلی به دردتون می‌خوره. کتاب **فروغ اللغویه**، جامعه مدرسین. به عنوان یک کتاب اولیه. آیا باید هرچی کتاب گفته درسته؟ باید خودتون به اجتهاد برسید. باید معاجم لغوی رو بشناسید. باید داستان تدوینشون رو بدونید. **آقای ملکی نهاوندی کتابی دارند در زمینه ی شناخت لغت نامه ها** که کمکتون می‌کنه. کتاب **مفردات قرآن، آقای طیب حسینی**، نشر حوزه و دانشگاه، که سعی کرده روشمند کنه اجتهاد لغوی رو. یه سری مباحث رو آورده، انتهای کتاب هم روی چنتا لغت کار کرده و نشون داده که یک کار اجتهادی برای پیدا کردن معنای یه لغت چجوریه. **برای این قضیه یک پوشه باز کنید و کار لغوی رو ادامه بدین. باید روی اجتهاد لغت کار کنید.**

**ترجمه؛** خیلی بدرد شما می‌خوره. همه ی اینها که عرض کردیم، متن خوانی، تجزیه و ترکیب و لغت، همه تو ترجمه جمع می‌شه. ترجمه به این معنی که ترجمه کنیم برای دیگران نه، ترجمه برای فهمیدن خودمون. ترجمه یه ظرایفی داره. کتاب **فن ترجمه**، یحیی معروف، نشر سمت. **روش هایی در ترجمه** از عربی به فارسی، آقای ناظمیان، سمت. چندین کتاب درباره ی ترجمه هست که هر کدام از این ها یک نکات ویژه ای درباره ی ترجمه ی ترکیب های عربی داره. مثلاً شما تازه متوجه می‌شید که معنای دقیق حال چیه. شما باید این قواعد رو بخونید و از دل کاربرد واقعی برید سراغ اون بحث. خب قواعد ترجمه رو که باید بخونید. اما می‌تونید یه آیه رو در نظر بگیرید و ترجمه های مختلف اونو بذارید کنار هم، متوجه می‌شید که در یک ترجمه ای از یه لغتی و تو اون یکی از یه لغت دیگه استفاده شده. می‌تونید مقایسه کنید گزینش کنید. یا اینکه بگید کدوم یکی خواسته چه جنبه ای رو رعایت کنه. ترجمه ی سوره ی حمد توصیه می‌شه. چون هم تجزیه ترکیبش کردید. هم لغاتش رو بررسی کردید. تازه می‌خواید ترجمه کنید. اگه همه رو روی سوره ی حمد متمرکز کنید خیلی خوبه به یک قوتی می‌رسید. شروع کنید و سعی کنید تو این سه سال جمعش کنید. رو نهج البلاغه هم کار کنید. رو حکمت های کوچیک. چون هم ترجمه زیاد داره. هم ظرایف ادبی خیلی داره.

**حتماً با تراث نحوی انس بگیرید؛** بخصوص با نحو الوافی، حاشیه الصبان و شرح رضی. حداقل تو چنتا بحث به این ها رجوع کنید به طوری که با زبان اینها عادت کرده باشید و بدونید مطالب رو چطور پیدا کنید.

یک موضوع دیگه **سبک های شبه حوزوی** است. نحوهای معنایی و ... کار جدی ترش برای سال سومه. ولی الان می‌تونید به این کتابا نگاهی بندازید.

یک بحث هم **استدلال نحویه**. بعضی ها می‌گن الاقتراح سیوطی رو بخونید برای اصول نحو. اشتباهه. ما باید بر اساس فقه شیعه یه اصول نحو داشته باشیم. بیشتر این کارا موقع خوندن مغنی هست.

به طور ویژه بحث های سیوطی دو خیلی مهمه. بحث مفعول ها، حال، تمییز، و ... (منصوبات و مجرورات) اثرات جدی روی معنا داره. مصدر، اسم مصدر و ... عمل اسماء مشتق، صفت مشببه، افعال تفضیل، عطف بیان و بدل، بحث اعراب فعل و عوامل جزم خیلی مهمه. حکایت هم مهمه.

**برای منطق؛ با ارائه ی منطق جلسه ی هشتم مقایسه شود**

حدود یک پنجم منطق هست که باید زیاد روش کار بشه. یعنی اگه به فرض منطق ۱۰۰ تا موضوع داشته باشه باید روی ۲۰ تاش به طور جدی کار و تحقیق کنید. مباحثی که خیلی مهمه مباحث منطق ۳ هست. منطق ۳ بعضی مباحث که صوتش هست و اسم هم داره. اونایی که مربوط به عمق اون مباحث هست رو می تونید رجوع کنید. بعضی مباحث هم هست که مربوط به معرفت شناسی غربیه می تونه به درد بخوره. بحث یقینیات، ۱۰ص است هرچه قدر کار کنید جا داره. جا به جا به دردتون می خوره. شاید بتونیم بگیم مهمترین جای منطق همینجا است. کتاب منطق پیشرفته به دردتون می خوره. کتاب قیاسات الیقین هم هست. با احتیاط قابل استفاده هست. کتاب آقای عسکری سلیمانی هم کتاب خوبی داره. بعضی کتاب ها در جلسه ی هشتم امده که اینجا ذکر نشده.

مشهورات خیلی جای کار داره. در تراث به اندازه ی منطق مظفر مفصل نیست. این به دلیل خاصی بوده. مشهورات در بحث های اصولی و کلامی به درد می خوره. بحث اقسام اقیسه به حسب ماده مهمه. نظام کل صناعات خمس. باب برهان، شروط مقدمات برهان. و ...

باید بتونید مباحث اول کتاب رو با مباحث اول منطق ۳ به صورت تطبیقی کار کنید. تقسیم علم به ضروری و نظری. بحث وجودات اربعه اشیاء بسیار مهمه. کل باب اول و دوم (الفاظ و کلی) رو ذیل لفظ، مفهوم و مصداق جا بدین. بحث دلالت خیلی مهمه و اثر رو اصول داره. مخصوص دلالت وضعی و التزامی. اقسام تقابل، کلی و جزئی. کلیات خمس. خودتون رو الان درگیرش نکنید. نکات فلسفی داره. در همین حد مرورش کنید. انواع حمل مهمه. و ....

**زمان صوت: یک و ۳۰ دقیقه.**

یک قرآن ادبی داشته باشید که شاهد مثال ها رو توش وارد کنید. قرآن آخوندی.

مطالعات مناسبی داشته باشید.

درباره ی عقاید کتاب های پرسمان دانشجویی

زندگی نامه ی علما و بزرگان

**مطالعات تاریخی جدی داشته باشید**

تاریخ حق و باطل، تاریخ پیامبران و دشمنان: کتاب **تمدن و ملک مهدوی**، کتاب جامع و خوبیه. بعضی جاهاش مشکلاتی داره. مبانی و ... اش. نظم ذهنی خوبی به شما می ده. نشر دانشگاه امام صادق علیه، آقای همایون، کتاب تبار انحراف آقای طائب.

تاریخ اسلام: دانشنامه ی امام علی علیه السلام دارالحدیث که مفصل است. خیلی خوبه. دانشنامه ی امام مهدی عجل الله. دانشنامه ی امام حسین علیه السلام می تونست خیلی بهتر باشه. کتاب مقتل جامع، چاپ موسسه امام خمینی ره.

تاریخ تشیع: برای آقای محرمی نشر هاجر. یک کتاب دیگه هست که پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ کرده. حیات فکری سیاسی امامان شیعه. آقای رسول جعفریان. تاریخ اسلام با رویکرد دشمن شناسی، آقای مهدی پور، نشر نغمات. جنبش حسینیان، موسسه شیعه شناسی. جریان غالیان، آقای صفری فروشانی. تاریخ تمدن و فرهنگ برای نشر معارف. برای شاگله ی کلی خوبه.

تحلیل امامان بعد از امام حسین علیه السلام رو خوب می دونیم.

تاریخ عصر غیبت : درسنامه ی عصر غیبت.

تاریخ ایران: **تاریخ سیاسی ایران معاصر**. موسی حقانی. موسسه مطالعات تاریخی ایران.

تاریخ مشروطه: تاریخ مشروطه ایران، برای نشر ولایت، ۵ جلدی است. یک تک جلدی داره. نقش روشنفکران در تاریخ معاصران ایران. نشر قدر ولایت. ۳ جلدی است.

تاریخ انقلاب: سازمان های سیاسی مذهبی در دوران پهلوی. مهمترین کتاب آقای رسول جعفریان. خانه کتاب. غرب شناسی علمای شیعه، آقای رهدار.

تاریخ پس از انقلاب: کتاب **چهل تدبیر** و کتاب بازگشت از نیمه ی راه. کتاب جریان شناسی سیاسی معاصر، دارابی، فرهنگ و اندیشه. استعمار فرانو، حسن واعظی. طرح کلی اندیشه اسلامی، کتاب حضرت آقا. نشر سهوا. کتاب ولایت و حکومت درباره ولایت فقیه، نشر سهوا. **جریان شناسی فکری**. آقای خسروپناه. رازهای دهه ی شصت، آقای صفار هرنندی، کیهان. کتاب ۸ سال بحران آفرینی اصلاح طلبان. نشر مرکز اسناد. ارتش سری روشنفکران.

## جلسه ۱۰ - اهمیت خاص بلاغت و جایگاه الموجز

Tuesday, January 23, 2018

5:10 PM

**بلاغت؛**

کتاب درسی حوزه برای بلاغت، کتاب مطول بوده که برای آقای تفتازانی که شرح کتاب خطیب قزوینی. این کتاب رو در طول سه سال می خوندن. بعد خود تفتازانی با اندکی تغییرات در نظرت مختصر رو نوشت که در دو سال خوانده می شده. جدیداً جواهرالبلاغه آمده که به سبک علوم فصاحی نوشته شده و اندک مشکلاتی هم دارد.

برای تحصیل بلاغت مطلوب باید سه تا کار انجام بدهید؛

یکیش خواندن و درس گرفتن کتاب موجود و رجوع به کتاب های دیگه است  
یک کار دیگه این هست که رشدهای علم بلاغت که در دل آیات و روایات هست رو به دست بیارید. آقای  
عشایری چندین سال دارند این کار رو انجام می دن. خواندن کتاب ایشون مکمله.  
یک کار دیگه ای که خودتون برید مفاهیم بلاغی رو لمس کنید. انس با متون بلیغ.

همراه درس بلاغت کتاب آقای عشایری رو هم درس بگیرید.

هدف حوزه فهم عمق دینه و یکی از ابزارهاش فهم عمق زبان دینه.  
این مسئله تو سه مرحله صورت می گیره: یک مرحله علوم فصاحی، یک مرحله علوم بلاغی، یک بخشی است که  
نگاه کلان داره که بخشی اش رو در بخش الفاظ اصول می خونید. اینها در علوم مختلف پراکنده است.

اصول زبان فهم متون قدسی است.

## جلسه ۱۱ - نظام کل دروس ۶ پایه و امکان جابجایی یا ارتقایی

Tuesday, January 23, 2018

5:10 PM

### نظام کلی شش پایه؛

برای عموم طلبه های مطلوب هست که شش سال رو تو شش سال بخوندند.  
برای طلبه های قوی تر چند طرح وجود داره: بستگی به این داره که بخواین فلسفه بخونین یا نه و .... نظرات  
مختلفی وجود داره.  
یک روش فشرده خوانی است.  
تاکید ما همون روش غنی خوانی است. در این روش می شه شش سال رو تو پنج سال خونند. ولی نه تو چهار سال.

اول باید درس های شش سال رو بشناسید:

پایه اول: صرف و نحو و احکام

پایه دوم: سیوطی ۱، سیوطی ۲ و منطق ۲ و منطق ۳

پایه سوم: مغنی ۱، مغنی ۲ و بلاغت

پایه چهارم: اصول ۱، فقه ۱، فقه ۲. (کتاب فقه لمعه (شهید اول) و شرح لمعه (شهید ثانی) هست. کل این کتاب رو  
در ۶ درس می خونید. کل فقه رو شامل می شه. طبق ابواب فقه شیعه، فقه ۱ و ۲، مربوط به طهارت هست. فقه  
۲ یک بخشی مربوط به سیاست و مسائل اجتماعی داره که اونو ویژه می کنه)

پایه پنجم: اصول ۲، فقه ۳ و فقه ۴. فقه ۳ ویژه هست. سرنوشت ساز ترین فقه. درس مکاسب فقط یکی دو باب  
مربوط به بیع است که اونو تو فقه ۳ می خونید. کسی می تونه مکاسب رو خوب بخونه که در فقه ۳ مسائل بیع  
رو خوب خونده باشه.

پایه ششم: اصول ۳، فقه ۵ و فقه ۶. فقه ۶ مربوط به مسائل حقوقی است که خیلی بحث های فنی نداره.



### درس های نحو؛

اگر نحو سال دوم رو قوی خونده باشند این حس بهشون دست می ده که نحو زیاده. اگر استاد خوب دیده باشید. بعضی از اساتید اجازه می دهند که مغنی ۲ رو که زمانش کمتره رو ارتقائی بخونید و الموجز رو بیارید سال سوم. (قاعده ای وجود داره که اساتید می گن اگر فقه و اصول و فلسفه رو شروع کردید قطع نکنید) طرح مرسوم؛ اینه که به جای الموجز پایه ی چهار یک اصول می آد. اصول مظفر میاد پایه ی چهار. درس های دیگه عقب کشیده می شه. فقه ۵ رو هم می تونید ارتقایی بخونید و شش سال تو پنج سال تموم کنید. مغنی بین کتاب های نحوی کتاب خاصیه. ابن هشام خیلی قویه. ابن هشام با زاویه ی کاربرد نحو در قرآن وارد شده. در پی حل شبهات نحوی قرآن. کتاب عمیقیه. مغنی تا حدی می تونه سطح اجتهادی نحو حساب بشه. خیلی خوبه که کوله بار کل سه سال مقدماتتون رو تو سال سوم ببندید. بلاغت واجب برای همه که عمیق بخوندند. در فهم اصول، فهم دین و ...

تو باب الفاظ اصول بلاغت بسیار کمک می کنه.

اگر کسی بخواد درس های عادی ۶ سال رو در ۵ سال بخونه جوازش هست.

اگر می خواهید این کار رو بکنید تابستان پایه ۲ به ۳ این کار رو نکنه. بلکه تابستان ۳ به ۴ جای این کاره. تابستان ۲ به ۳ مهمه چون جمع بندی منطق و سیوطی رو باید اونجا انجام بدید. همه ی این حرفا برای کسیه که نخواد فلسفه رو بخونه.

اما اگر کسی بخواد فلسفه بخونه. بدایه و نهاییه ۳ تا ۳،۵ طول می کشه. از هر جا بدایه رو شروع کنید باید تا آخر برید. اگر بخواید از پایه ۴ بخونید پایه ۴ سنگین می شه. چون شروع فقه و اصول و ... هست.

اگه الموجز رو سال سوم بیارید ناخودآگاه اصول ها عقب میاد. اگه فلسفه رو هم بیاری ۴ تو همه ی اینها ضعفی ایجاد می شه. نقاط مثبت و منفی داره.

چرا یه فقه رو نیارید پایه سه؟ وجه قوتش اینه که مشکلی پیش نمی آد. پایه ۴ بشه فقه ۲، فلسفه، اصول. ضعفش اینه که معقول نیست قبل از اصول فقه بخونید. غالب اساتید مجاز نمی دونن.

یه پیشنهاد دیگه اینه که یه عقاید رو قوی سال سوم بخونید. **کشف المراد** رو باید باید بعد از فلسفه بخونید. کتاب آقای سبحانی ترجیح داره. **محاضرات**. می تونید اینجا بخونید. یا کتابی از آقای ربانی. بدایه شسته رفته نیست.

ضعفش اینه که سنگینی پایه ی ۴ تغییر نمی کنه. اما می تونید عقاید رو یک بار خوب می خونید.

باید جایگاه لمعه رو بدونید. فقه یک پیوستار سه مرحله ای. اون سه سطح تحصیلی هست. که بعد از تحصیل تحقیق شروع می شه. تو حوزه اینها به فقه غیر استدلالی یا رساله ای، فقه نیمه استدلالی و فقه استدلالی نامیده می شه. فقه نیمه استدلالی دقیقا جاش لمعه است. سطح فقه استدلالی مکاسب و چند سال اول درس خارج هست. باید هر کدام رو تو سطح خودش درست بخونیم.

یک مشکلی در چینش کتب فقه هست.

حرکت از فقه غیر استدلالی به نیمه استدلالی یک شیب مهندسی شده ی درستی نداره. بین فقه نیمه استدلالی و استدلالی هم یک سکنه وجود داره. اگه این فاصله رو جبران کنید خیلی می تونید موفق باشید تو فقه.

با وضع موجود چکار می شه کرد. تاریخ فقه شیعه سه دوره ی اصلی داره. خیلی خلاصه دارم می گم. یک دوره آغاز فقاقت، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، حول و حوش غیب صغری به بعد.

بعد از اخباری گری فقه شیعه به اوج می رسه. از سال ۹۰۰-۱۱۰۰ اوج اخباری گریه. بعد از اخباری گری بزرگانی که شیخ انصاری، کاشف الغطاء، آخوند خراسانی و ...

قبل از دوره ی اخباری گری دوره ی میانی است. در این میانه سه نفر اصلی خیلی جدی اند. محقق حلی، علامه حلی و شهید اول. شهید ثانی فرعی تر حساب می شه در این دوران. مشکل فقه نیمه استدلالی به مکاسب چیه؟ در مکاسب فقه شیخ انصاری رو می خونید که متاخره. خیلی سطحش بالاست. لمعه در مقطع میانی و اخباری گری قرار داره. همه رو پوشش نمی ده فقط سبک شهید اوله. خود محقق حلی کلی کتاب فقهی داره. یکیش کتاب شرایع هست. اساس کتاب فقهی است. علامه حلی هم کتاب های مهمی داره.

اولا لمعه برای دوره ی میانیه و مکاسب برای دوره متاخره.

از لایه ی میانه فقط یک جریان از سه جریان میانی رو می خونید.

شش درس از لایه ی میانی رو می خونیم، در یک جریان از سه جریان میانی، می ری تو مکاسب با سطح بالا.

می تونستن لمعه رو خلاصه تر می کردن. جاهای غیر مهم رو حذف می کردن. سه درسش می کردن. جاش سه جریان دیگه رو می گنجوندن.

اما با این برنامه ی موجود:

در حد توصیفه. توصیه نیست. مثلا فقه یک رو برای جبران فاصله ی بین فقه غیر استدلالی و نیمه استدلالی نازلتر بخونیم. یک فقه رو سال ۶ بگذاریم با سطح بالاتر. می تونه اون سطح بالاتر فقه ۳ باشه چون اون مباحث قراره تو مکاسب بیشتر باز بشه.

مشکلات این طرح به هم ریختگیه. مشکل اینه که فقه یک مطالب مهمی داره و شما نازلتر می خونید.

اهداف فقه نیمه استدلالی: استدلال، اصطیاد و استظهار.